

جلسه ۱۴۰۲/۲/۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ﴾^۱

بحثنی که اخیراً مورد صحبت بود سننی از قرآن کریم بود. سنت مهلت بحث شد. سنت آزمایش گفته شد. و سنن دیگری به عرض رسید.
سنت هلاکت براساس ظلم و

آنچه در این جلسه به عرض می‌رسد سنت هلاکت براساس ظلم و گناه افراد و اقوام و گروه‌های مختلف. از سنن الهی است که پس از اتمام حجت، باز هم جمعی به انحراف خود که ادامه می‌دهند، خداوند متعال مهلت مرحمت می‌کند. که به تفصیل بحث شد سنت مهلت. و پس از مهلت با توجه به اینکه اینها به انحراف شان ادامه دادند، سنت الهی هلاکت است. نابودشان می‌کند. بغته غیر بغته اخذشان می‌کند. این هم از سننی است که در آیات بسیاری به این سنت توجه شده است. بعضی از آن آیات به عرض تان می‌رسد.

یک: سوره نساء آیه صد و شصت ﴿فَيُظْلَمُ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ﴾^۲ ﴿فَيُظْلَمُ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا﴾ طیباتی که برای آن‌ها حلال بود، به خاطر ظلمی که کردند، ما بر آنها حرام کردیم. پس یعنی گرفتاری، ابتلاء در ارتباط با مسئله ظلم. منتهی اینجا حرمان است، نه هلاکت به معنای نابود شدن. که به این معنی هم در آیه دیگری از همین سوره نساء است؛ آیه صد و پنجاه و سه ﴿فَأَخَذْتَهُمُ الصَّاعِقَةَ يُظْلَمُهُمْ﴾^۳ اخذت‌هم الصاعقه چرا؟ بظلمهم. پس براساس ظلم شان هلاکت برای آنها تقدیر شده است. از سنن الهی است.

سوره مبارکه هود ﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ﴾^۴ بعضی از قری را ما اخذ کردیم؛ چرا اخذ کردیم؟ و حال آن که ظالم بودند. این علت اخذ ماست. جهت اخذمان ظلم اینها است. پس براساس ظلم، هلاکت تقدیر می‌شود. از سنن الهی است.

و در سوره مبارکه انبیاء آیه یازده ﴿وَ كَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ﴾^۵ اینجا

۱- سوره اسراء، آیه ۹.

۲- سوره نساء، آیه ۱۶۰.

۳- سوره نساء، آیه ۱۵۳.

۴- سوره هود، آیه ۱۰۲.

۵- سوره انبیاء، آیه ۱۱.

هم تصریح به همین است؛ نابود کردیم، از بین بردیم. «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ» چرا؟ «كَانَتْ ظَالِمَةً» به خاطر اینکه اینها ظالم بودند؛ ظلم کردند. «وَإِنَّا لَنَأْتِيَنَّهَا قَوْمًا آخَرِينَ» بعد جمعی دیگر را آوردیم. یعنی آنها را نابود کردیم، هلاک کردیم؛ جمع دیگری آوردیم.

در سوره مبارکه حج آیه چهل و پنج «فَكَأَيُّ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ»^۱ اینها همه‌اش در ارتباط با این است که بر اساس ظلم‌شان ما هلاک‌شان کردیم. پس سنت هلاکت پس از ظلم، با توجه به سنت مهلت. یعنی مهلت می‌دهد خداوند متعال؛ پس از مهلت، وقتی به انحراف‌شان ادامه دادند، آن وقت هلاکت برای آنها تقدیر می‌کند. از سنن الهی است.

سوره مبارکه عنکبوت آیه چهارده «فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ»^۲ باز به طوفان گرفتار شدند قوم نوح به خاطر ظلم‌شان.

سوره مبارکه انفال آیه پنجاه و چهار «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ يَمِينًا وَكَانُوا ظَالِمِينَ»^۳

سوره قصص «فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ»^۴ فانظر كيف كان عاقبت ستمکاران. یعنی در همین دنیا بین اینها وضع‌شان چی هست. چه جور ما اینها را هلاک می‌کنیم، بیچاره می‌کنیم.

از آیاتی که خیلی در این زمینه گویا است سوره انعام آیه چهل و چهار «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ» وقتی که اینها تذکرات ما را پشت گوش انداختند، و رها کردند، فراموش کردند، «فَتَحْنَاهُمْ عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ». که هم به سنت مهلت در این آیه توجه داده شده است و هم به سنت هلاکت پس از مهلت. «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ» همه چیز را برای آنها راحت در اختیارشان گذاشتیم. قدرت‌شان بیشتر، ثروت‌شان بیشتر، امکانات‌شان زیادت‌تر. وقتی ما را فراموش کردند، حالا گاهی به عنوان اینکه مهلت دادیم شاید به خود بیایند؛ گاهی هم به عنوان این است که بیشتر گرفتار شوند؛ «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِهَا أُوتُوا» خوش و خوشحال شدند، خرم شدند همه چیز داریم، همه جور امکانات داریم، قدرت داریم، ثروت داریم چنین و چنان هستیم؛ «أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ» ناگهان آنها را گرفتیم. -سنت هلاکت.- آن وقت پشیمان شدند، نا امید شدند، بیچاره شدند. «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ» تا اینکه ما «فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِهَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً»

۱- سوره حج، آیه ۴۵.

۲- سوره عنکبوت، آیه ۱۴.

۳- سوره انفال، آیه ۵۴.

۴- سوره قصص، آیه ۴۰.

فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۱.

و اما از همه اینها از جهتی روشن تر که جای یک حاشیه ای هم دارد برای حرفهایی که معمولاً به حاشیه می رویم، این است که سوره نوح ﴿مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا﴾^۲ حضرت نوح گفتند خدایا ما هر وقت اینها را خواستم دعوت کنم از شرک به توحید، انگشتان شان را در گوش شان گذاشتند که نشنوند. لباس شان را روی سر شان گذاشتند که نشنوند. و شب خواندم توجه نکردند؛ روز خواندم توجه نکردند؛ هر کاری کردم توجه نکردند؛ خدا پس عذاب شان کن. حضرت نوح نفرین کردند. قرآن هم می فرماید بعد چون چنین شد؛ ما که خدائیم بر اساس ظلم این قوم نوح چه کار کردیم؟ هلاک شان کردیم. به خاطر خطاهای شان اینها را غرق کردیم. ﴿مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا﴾ غرق شان کردیم و از توی آب هم رفتند داخل آتش. یعنی به آتش گرفتار شدند. پس تا اینجا یکی از سنن الهی در قرآن کریم این شد که سنت هلاکت بر اساس ظلم و ستم و انحراف و جنایت.

پس ﴿مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا﴾ دو دو تا چهار تا که روشن است. این هم روشن است که قوم نوح را خداوند متعال عذاب کرده است. ﴿مِمَّا خَطَبْتَهُمْ﴾ به خاطر خطاهای شان ﴿أُغْرِقُوا﴾ و طوفان و غرق شدند ﴿فَأَدْخَلُوا نَارًا﴾. خیلی روشن است.

عاقبت قوم نوح در بیان ابن عربی و قیصری

حالا ابن عربی و ابن عربی در فصوص دارد که چی؟ می گوید ﴿مِمَّا خَطَبْتَهُمْ﴾ خطبته اینجا از خطوه می آید به معنای گام برداشتن، حرکت کردن. به خاطر اینکه اینها حرکت کردند در کمالات، چون این چنین حرکت کردند، ﴿مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُغْرِقُوا فِي بَحَارِ الْعِلْمِ﴾ غرق شدند فی بحار العلم؛ (و ادخلوا نارالمحبه). پس ﴿مِمَّا خَطَبْتَهُمْ﴾ اگر عبارت را برای شما نخوانم، جا دارد باور نکنید. البته شارح آن قیصری می گوید بله ظاهر آیه این است که این عوام باید اغرقوا، و بعد هم ادخلوا ناراً؛ عوام هستند. و اما کملین خیر کملین از آن قوم (اغرقوا فی بحار المعرفة و ادخلوا نارالمحبة). این را کجا گفته؟ این را عرض کنم در فصوص فص نوحی است. ﴿مِمَّا خَطَبْتَهُمْ﴾ فهي التي خطت بهم فغرقوا في بحار العلم بالله، و هو الحيرة» در ذات مقدس حضرت حق حیران شدند و رسیدند به کمالات بسیار بسیار مهمی. «فغرقوا في بحار العلم بالله، و هو الحيرة».

بعد شارح می گوید که «أي، جاء في حقهم و ﴿مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُغْرِقُوا﴾. «فَأَدْخَلُوا نَارًا» در ارتباط با اینها

^۱ - سوره انعام، آیات ۴۴ و ۴۵.

^۲ - سوره نوح، آیه ۲۵.

مطلب از این قرار شد. بعد تا اینجا می‌رسد که «فَادْخُلُوا نَارًا» «فَادْخُلُوا نَارًا» را هم این جور معنی می‌کند که «فَادْخُلُوا نَارًا» فی عین الماء. آی، فادخلوا فی نار المحبة و الشوق^۱. یعنی جمع بین متن و شرح این می‌شود (و مما خطیئاتهم اغرقوا فی بحار المعرفة و فی بحار العلم فی بحار الحیره و ادخلوا نارای ادخلوا نار المحبه). من معمولاً عرض می‌کنم یک لغت دیگری باید جعل کرد که با آن لغت این جور معنی شود. و به تعبیر یکی از شخصیت‌های علمی که دست قوی هم در این مسائل داشتند، خودشان هم به بعضی از مسائل فلسفی بی‌میل نبودند، ولی نسبت به ابن عربی دو نفری صحبت می‌کردیم از گذشتگان همین مشهد، آنی که صاحب رساله هم بودند، بعد این تعبیر را من از آن جناب در خاطر ام است که گفتند ابن عربی با آیات قرآن ملاحظه کرده است. بازی کرده با آیات قرآن که ﴿مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا﴾، معنایش این باشد که ﴿مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ﴾ گام‌های استوار برداشتند، غرق در علم شدند و حیرت در ذات مقدس پروردگار. و بعد هم وارد شدند در آتش محبت. ﴿فَادْخُلُوا نَارًا﴾. ملاحظه با آیات شریفه قرآن است به تعبیر ایشان.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

^۱ - شرح فصوص الحکم (القبصری)، شرح قبصری، ص ۳۰-۵۲۹ فص حکمة سبوحية فی کلمة نوحية.